

## نگاهی به نقش بیگانگان در حوادث 21 آذر 1324

سرویس ایران/خبرگزاری آران

**نویسنده: حسن گلی**

**چکیده:**

در طول تاریخ شهر کهن تبریز آستان حوادث بسیاری بوده و حافظه تاریخی این شهر مملو از خاطرات تلخ و شیرین می باشد. در بررسی تاریخ معاصر آذربایجان و به ویژه تبریز بایستی حوادث 21 آذر 1324 تا 21 آذر 1325 (تشکیل حکومت یکساله آذربایجان) را بطور دقیق مورد بررسی قرار دهیم چه اینکه دوره زمانی فوق گرچه بیش از یکسال به طول نیانجامید لیکن موجب شکل گیری نگاه تازه ای نسبت به آذربایجان شد. این نگاه تازه را می توان در دو سطح ملی و بین المللی و در دو مقطع زمانی قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران مورد بررسی قرار داد که البته این مختصر در مقام بررسی موضوع فوق نیست.

چنانچه حوادث 21 آذر را به عنوان یک واقعیت اجتماعی و سیاسی در نظر بگیریم به طور طبیعی نخواهیم توانست تنها یک دلیل را در پیدایش آن موثر بدانیم و بایستی از زوایای مختلف این موضوع را مورد کنگاش قراردهیم تا دلایل واقعی آن عیان گردد، نگارنده با علم بر موضوع فوق بر این باور است مهمترین علت حوادث 21 آذر: عامل تحریک خارجی و دخالت بیگانگان می باشد لذا در این مقال قصد بر اینست به مناسبت سالروز تشکیل حکومت یکساله آذربایجان به بررسی نقش همسایه شمالی ایران در آن زمان یعنی اتحاد جماهیر شوروی در تاسیس فرقه دموکرات و تشکیل حکومت خود مختار در آذربایجان بپردازیم.

**مقدمه:**

سرزمینی که امروز ما در آن زندگی می کنیم تاریخ پر فراز و نشیبی را پشت سر گذاشته است. اگرچه از این سرزمین مردان و زنان بزرگی نام خود را در تاریخ ماندگار کرده اند لیکن بایستی مدال قهرمانی تاریخ را در طبقی از تواضع و فروتنی به مردم ذلت ناپذیر این دیار تقدیم نمود. مردمی که در همه سختیها دو خصلت گرانمای دین مداری و میهن پرستی را در هم آمیخته اند و «حب الوطن من الایمان» را در عمل به منصف ظهور رسانده اند. در طول تاریخ، آذربایجان همواره آماج کینه توزیها و لشکر کشیهای دشمنان ایران زمین بوده است، چراکه آنان به نیکی نقش اساسی آذربایجان در استقلال ایران را دریافته بودند و هر روز برای آن نقشه ای می کشیدند. حمله چندباره عثمانیها به آذربایجان و لشکر کشیهای مکرر روسها در زمانهای مختلف همگی حاکی از اهمیت بی مانند آذربایجان برای آنان بوده است. افسوس این اهمیت در زمان حکومت شاهنشاهی از سوی رژیم پهلوی درک نگردید و آنان با سیاستهای غلط خود در خصوص آذربایجان زمینه را برای دخالت بیگانگان مهیا نمودند تا اینکه حوادث 21 آذر 1324 به وجود آمد و مردم آذربایجان در راستای این حوادث متحمل ضررهای مالی و معنوی زیادی شدند.

مسئله در بررسی حوادث تاریخی چنانچه مسائل آنگونه که اتفاق افتاده است بیان نگردد و تعصب جای حقیقت را بگیرد؛ هدف اصلی از بازگو کردن تاریخ که همان آشنا شدن با گذشته و عبرت گرفتن از آن است محقق نخواهد شد؛ چه بسا در طول تاریخ تحریف آنچه در گذشته اتفاق افتاده است منشأ بسیاری از مشکلات بوده است. متأسفانه در بررسی حوادث مربوط به آذربایجان برخی تعصبات بی مورد موجب سوءاستفاده های فراوان گردیده است؛ بطوری که برخی افراد ازغائله 21 آذر 1324 به عنوان یک جنبش برخاسته از متن ملت یاد می کنند که در اعتراض به وضعیت موجود ایجاد گردیده و هرگونه دخالت خارجی را در ایجاد آن منکر می شوند و این در حالی است که بنا به دلایل متقن موجود نقش بیگانگان در ایجاد و خاتمه این جریان و انگیزه های آنان مشخص و مبرهن می باشد که در این راستا به بررسی نقش و انگیزه های بیگانگان ( اتحاد جماهیر شوروی و جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان ) در ایجاد حوادث 21 آذر 1324 می پردازیم.

**کلیات:**

شاید در چند صد سال اخیر هیچ کشوری مانند روسیه ( شوروی سابق ) با وجود تغییرات مکرر در هیات حاکمه خود و حتی بعد از انجام انقلابی مثل انقلاب 1917 روسیه، به صورت هماهنگ و در راستای رسیدن به یک هدف واحد عمل نکرده است؛ پتر که از پادشاهان بزرگ تاریخ روسیه است پس از نشست بر تخت فرمانروایی 1061 خورشیدی / 1682 میلادی)، حکومتی را پی انداخت که تا زمان فرو پاشی شوروی سابق به حیات خود ادامه داده است. پتر خوب می دانست که قوم های گوناگون و نژادهای مختلفی که سابقه هیچگونه هم زیستی نداشته اند ولی مجبور بودند تحت حاکمیت یک نظام سیاسی زندگی نمایند؛ شاید بتوان در کوتاه مدت با اجبار در کنار هم نکه داشت اما برای هم بودنی درازمدت باید آرمانی برایشان ساخت. او برای این منظور حدود سال 1089 (1710م)، اصول سیاست خود را زیر نام «وصیت نامه» تنظیم کرد. درون مایه ی این وصیت نامه، در حقیقت عبارت است از طرح بلندپروازانه ی پتر برای ایجاد یک امپراتوری وسیع که بخشی از آن را خود تحقق بخشید و بخش های دیگری از آن، به وسیله ی دیگر رومانوف ها و سپس جانشینان سرخ آنها به مورد اجرا گذاشته شد. دست یابی روسیه به آبهای گرم، از مهم ترین اصول این منشور است که راه آن از فروپاشی ایران می گذرد. در این وصیت نامه درباره ی ایران آمده است: «... گذشته از آن باید چاره جویی های فراوان کرد که کشور ایران روز به روز تهی دست تر شود و بازرگانی آن تنزل کند. روی هم رفته باید در پی آن بود که ایران رو به ویرانی رود... اما مصلحت نیست که پیش از مرگ حتمی دولت عثمانی، ایران را یک باره بی جان کرد. گرجستان و سرزمین قفقاز، رگ حساس ایران است. همین که نوك بیشتر استیلای روس به آن رگ برسد فوراً خون ضعف از دل ایران برون خواهد رفت و چنان ناتوان خواهد شد که هیچ پزشك حاذق نتواند آن را بهبود بخشد...» [1]

در راستای همین سیاست بود که جانشینان پتر کبیر بعد از تلاشهای فراوان سر انجام توانستند با تحمیل دو عهدنامه گلستان و ترکمنچای بخشهای وسیعی از ایران بزرگ را ضمیمه خاک خود سازند. البته روسها به تصرف سرزمینهای فوق قانع نبودند و به بهانه های مختلف سعی در اضافه نمودن آذربایجان به تصرفات خود را داشتند که با مقاومت مردم و مخصوصاً هوشیاری علمای این خطه راه به جایی نبردند؛ تا جایی که در لشکر کشی روسها به آذربایجان (که در میان مردم به لشکرکشی اول روس معروف است) روحانی برجسته آذربایجان «شهبه ثقه الاسلام» و چند نفر دیگر توسط روسها در راه حفظ استقلال و تمامیت ارضی این مملکت در روز عاشورای حسینی (سال 1290 هجری شمسی) به دار آویخته شدند؛ اما روسها که چشم در خاک آذربایجان داشتند در سال 1320 به بهانه کمک ایران به آلمان در جریان جنگ جهانی دوم و عدول از سیاست بی طرفی که دولت ایران اعلام کرده بود به همراه متفقین ایران را اشغال نمودند و حدود دو هفته پس از ورود نیروهای شوروی به ایران نزدیک به هزار نفر از کارمندان حزبی، دولتی و امنیتی آذربایجان شوروی که از پیش آمادگی لازم (زمینه سازی برای تجزیه) را یافته بودند با دریافت دستور عملهای ویژه به آذربایجان ایران وارد شدند؛ در این بین حزب توده از اوضاع نابسامان اقتصادی و سیاسی ایران نهایت استفاده را به عمل آورد و با مطرح کردن برخی از خواسته های مردم آذربایجان در برابر حکومت مرکزی تلاش نمود مردم را با خود همراه نماید. حزب توده در انتخابات مجلس چهاردهم شکست خورد و میر جعفر پیشه وری به عنوان یکی از کاندیداهای حزب توده که در انتخابات رای آورده بود اعتبار نامه اش به دلیل وابستگی به حزب توده و شوروی رد شد. (1944-اواخر 1322). با شکست حزب توده در انتخابات مجلس چهاردهم و راه نیافتن پیشه وری به مجلس سیاست شوروی در خصوص نفوذ و تضعیف ایران عوض شد و حمایت از نیروهای مرکز گریز مورد توجه شوروی و حزب توده قرار گرفت و در حقیقت تجزیه فرهنگی به عنوان

مقدمه تجزیه سرزمینی در دستور کار دولت شوروی فرار گرفت .

قبل از آغاز جنگ میان آلمان و شوروی، میر جعفر باقروف دبیر حزب کمونیست جمهوری آذربایجان در گزارشی که درباره آذربایجان ایران برای استالین فرستاده می نویسد: «دوران دیکتاتوری رضاشاه اهالی آذربایجان نه تنها به مقامات بالای دولتی راه نمی یابند بلکه از رسیدن به مناصب متوسط و کوچک نیز محرومند. این وضع شامل ارتش نیز می شود. در هیئت فرماندهی ارتش به ندرت می توان یک آذربایجانی یافت. حکومت شاه با اعلام زبان فارسی به عنوان زبان رسمی کشور آن را به ادوات دولتی در آذربایجان تحمیل کرده است . زبان آذربایجانی از مدارس زوده شده اندو آموزش تنها به زبان فارسی است . در موسسات دولتی گفت و گو به زبان آذربایجانی اکیدا ممنوع است و اسناد و مدارک به زبان فارسی تدوین می شوند . در حضور ماموران فارسی زبان ، آذربایجانی ها مجاز نیستند به زبان مادری خود گفت گو کنند»

2. [2]

این گزارش و گزارشهای شبیه آن که در سالهای اخیر دسترسی به آنها میسر شده است نشان می دهد که شوروی و به تبع آن جمهوری آذربایجان شوروی در فکر برنامه ریزی برای تجزیه آذربایجان از ایران بودند که البته فکر جدیدی نبود و از سال 1918 که محمد امین رسول زاده با تحریک عثمانیها در بخشی از قفقاز (آران) دولت مستقل جمهوری آذربایجان را تشکیل دادو بعدها دولت شوروی بدون تغییر عنوان غیر واقعی جمهوری آذربایجان، آنجا را تحت حاکمیت خود در آورد بسیاری از کارشناسان مانند استاد بارتولد و سیاستمدار روسی که مدتی از عمرش را در وزارت امور خارجه روسیه سپری نمود - بر این باور بودند که این کار مقدمه تجزیه آذربایجان ایران می باشد و در همین راستا

میر باقروف عناوین جعلی آذربایجان شمالی و جنوبی را بکار برد . البته در خصوص گزارش فوق بایستی این مطلب نیز ذکر گردد که در آذربایجان روند علم آموزی همانند دیگر مناطق ایران و حتی خود قفقاز تا پیش از روی کار آمدن رژیم کمونیستی در شوروی و نیز انجام مکاتبات اداری از دیرباز و حتی سده های درازی که ترکان بر ایران حکومت کرده اند ، همیشه به زبان فارسی بوده و البته کسی هم آن را به آذربایجانیان تحمیل نکرده است، بلکه مردم آذربایجان به عنوان بخشی از ملت ایران به زبان ملی خود تحصیل می کنند .

با شکست حزب توده در انتخابات دوره چهاردهم مجلس شورای ملی و بر آورد نشدن خواسته های مردم توسط دولت مرکزی که حزب توده نیز آنها را مطرح کرده بود پایگاه مردمی حزب تضعیف گردید و دولت شوروی که در نظر داشت از این حزب به عنوان اهرم فشار بر دولت ایران استفاده کند با مشاهده وضعیت پیش آمده راه دیگری بر گزید و آن اینکه به فکر ایجاد اهرم فشار دیگری افتاد تا به خواسته های خود جامه عمل ببو شاندو برای اینکار در 15 تیر 1324 دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به میر جعفر باقروف صدر(رئیس) کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان در مورد اقداماتی جهت سازماندهی یک جنبش جدایی طلب در آذربایجان و دیگر ایالات شمالی ایران دستورات لازم را صادر کرد . در ذیل به منظور اینکه دخالت مستقیم اتحاد جماهیر شوروی در ایجاد فرقه دموکرات آذربایجان مشخص گردد ترجمه سند فوق آورده می شود ضمن اینکه بایستی توضیح داده شود که این اسناد طی سالهای ۲۰۰۲-۲۰۰۰ از سوی «مرکز بین المللی وودرویلسون» در اختیار پژوهشگران قرار گرفته است .

**فرمان دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به میر (جعفر) باقروف صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان در مورد اقداماتی جهت سازماندهی یک**

**جنبش جدایی طلب در آذربایجان جنوبی و دیگر ایالات شمالی ایران» 6 ژوئیه 1945 / 15 تیر 1324**

فوق محرمانه

به رفیق باقروف

اقداماتی جهت سازماندهی یک جنبش جدایی طلب در آذربایجان جنوبی و دیگر ایالات شمال ایران.

**1- شروع اقدامات تدارکاتی در جهت تشکیل یک ناحیه [OBLAST] خود مختار ملی آذربایجانی با اختیارات گسترده در چارچوب دولت ایران توصیه می شود.**

2- یک حزب دموکراتیک در آذربایجان جنوبی به نام «جمهوری آذربایجان»؛ [از این پس فرقه دموکرات آذربایجان] با هدف رهبری جنبش جدایی طلب در آذربایجان جنوبی تاسیس کنید.

تاسیس حزب دموکرات آذربایجان جنوبی باید با یک تجدید سازمان توان بخش آذربایجانی حزب توده ایران و جذب هواداران جنبش جدایی طلب از تمامی اقشار مردم بدان صورت گیرد.

3- در میان کردهای ساکن شمال ایران برای جذب آنها در یک جنبش جدایی طلب که یک ناحیه خود مختار ملی کرد را تشکیل دهد. اقدامات مناسب صورت دهید.

4- یک گروه از فعالان مسئول را در تبریز که به هماهنگی فعالیت هایشان با سرکنسولگری اتحاد جماهیر شوروی در تبریز موظف باشند. برای هدایت جنبش جدایی طلب تشکیل دهید. سرپرستی کلی این گروه به باقروف و یعقوبف واگذار می شود.

5- تهیه و تدارک اقدامات اولیه برای برگزاری انتخابات دوره پانزدهم مجلس ایران [با هدف] تضمین انتخاب هواداران جنبش جدایی طلب براساس شعارهای ذیل به کمیته مرکزی (باقروف و ابراهیموف) حزب کمونیست آذربایجان سپرده شود.

الف) واگذاری زمین از اراضی خالصه و املاک بزرگ اربابی به دهقانان و اعطای اعتبارهای درازمدت مالی به دهقانان.

ب) از میان بردن بیکاری از طریق اعاده و توسعه کار در موسسات و همچنین برنامه های احداث راه و دیگر طرح های فواید عامه.

پ) بهبود موسسات رفاه عمومی در شهرها و آبسرانی عمومی

ت) بهبود بهداشت عمومی

ث) اختصاص حداقل 50% از مالیات های دولتی به حوایج محلی

ج) حقوق برابر برای اقلیت های ملی و عشایر، افتتاح مدارس و انتشار کتب و روزنامه به زبان های آذربایجانی، کردی، ارمنی و آشوری، سیر مراحل دادرسی و مکاتبات رسمی در نهادهای محلی به زبان های بومی، تاسیس نظام اداری محلی و ...؛ از جمله ژاندارمری و پلیس با استفاده از عناصر محلی، تشکیل انجمن های منطقه ای محلی و شهری [و]

نهادهای خودگردان محلی

چ) بهبود اساسی در رابط ایران و شوروی

6- تاسیس «گروه های رزمی مسلح» به سلاح های ساخت خارج جهت دفاعی اهالی هوادار شوروی [و] فعالین تشکیلات دموکراتیک و حزبی جنبش جدایی طلب اعمال این مورد به رفیق [نیکولای] بولگانین همراه با رفیق باقروف احاله شود.

**7- یک انجمن برای مناسبات فرهنگی میان ایران و جمهوری شوروی آذربایجان با هدف تقویت اقدامات فرهنگی و تبلیغاتی در آذربایجان جنوبی تاسیس کنید .**

8- برای جذب توده ها به جنبش جدایی طلب تاسیس یک «انجمن دوستان آذربایجان شوروی» را در تبریز با شعبانی در تمام مناطق آذربایجان جنوبی و گیلان لازم می دانیم.

9- تدارک انتشار یک نشریه تصور در باکو برای توزیع در ایران و همچنین سه نشریه جدید در آذربایجان جنوبی به کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان شوروی محول گردد.

10- از OGIZ (بنگاه انتشارات دولتی) (یودین) خواسته شود تا سه دستگاه چاپ مسطح برای بهره برداری کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان شوروی جهت فراهم آوردن امکانات چاپی (Tipografskaya baza) برای فرقه دموکرات آذربایجان جنوبی، ارایه کند.

11- نارکوم ونشتورگ [کمیساریای خلق برای نجات تجارت خارجی] (رفیق آناستاز میکویان) به تامین کاغذ خوب جهت چاپ نشریه مصور در باکو و همچنین سه روزنامه جدید در آذربایجان جنوبی &ndash; با حداقل تیراژ 30000 نسخه &ndash; متهد گردد.

12- به کمیساریای خلق برای امور داخلی [NKVD] جمهوری شوروی آذربایجان اجازه داده شود که تحت نظارت رفیق باقروف برای تردد افرادی که جهت به اجرا در آوردن این اقدامات باید به ایران اعزام شوند، مجوز لازم صادر شود.

13- برای تامین مالی نهضت جدایی طلب در آذربایجان جنوبی و همچنین [تدارک شرکت] در انتخابات دوره پانزدهم مجلس ایران، یک صندوق ویژه به اعتبار یک میلیون روبل ارز خارجی &ndash; برای تبدیل به تومان &ndash; در کمیته مرکزی حزب کمونیست شوروی تاسیس شود.

6 ژوئیه 1945

دفتر سیاسی حزب کمونیست اتحاد شوروی (3) [3]

البته به غیر از این سند اسناد دیگری نیز وجود دارند که حاکی از وابستگی فرقه دموکرات به حزب کمونیست اتحاد شوروی می باشد که در ذیل به ذکر قسمتی از يك سند اکتفاء می کنیم :

**دستورالعمل های محرمانه شوروی در مورد اقداماتی که باید جهت اجرای ماموریت ویژه در سراسر آذربایجان جنوبی و ایالات شمالی ایران اعمال شود. 14 ژوئیه 1945 / 23 تیر 1324**

کاملا محرمانه

اقداماتی برای اجرای ماموریت ویژه در سراسر آذربایجان جنوبی و ایالات شمال ایران

**الف. موضوع تاسیس فرقه دموکرات آذربایجان**

1- وسایل سفر پیشه وری و کامبخش به باکو برای مذاکره فوراً سازماندهی شود. با توجه به نتایج این مذاکرات تامین وسایل سفر پادگان، صدر کمیته ایالتی حزب توده در آذربایجان، به باکو در نظر گرفته شود.

2- برای تاسیس کمیته های موسس در مرکز (تبریز) و دیگر نقاط (Na Mestakh) در عرض یک ماه کاندیداهایی را از میان عناصر واقعی دموکرات از میان روشنفکران، تجار، طبقه متوسط، زمینداران کوچک و متوسط و روحانیون در احزاب دموکراتیک مختلف و همچنین از میان غیر حزبی ها انتخاب کرده و به کمیته های موسس فرقه دموکرات آذربایجان وارد کنید. تشکیل یک کمیته موسس در تبریز که از طریق انتشار یک فراخوان از طریق نشریات دموکراتیک موجود (مانند) خاورنو، آژیر، جودت و غیره. خواهان تاسیس یک حزب دموکراتیک آذربایجان شده و به نشر جزواتی اقدام خواهد کرد. در اولویت نخست قرار دارد.

3- با انتشار فراخوان گروه های آغازگر در دیگر نقاط به حمایت از آن در جراید سخن گفته و از میان فعال ترین سازمان های حزب توده و دیگر سازمان ها و عوامل دموکراتیک کمیته های فرقه دموکرات آذربایجان را تشکیل خواهند داد.

4- پس از استقرار کمیته های موسس فرقه دموکرات آذربایجان در تبریز، تاسیس کمیته های محلی فرقه دموکرات آذربایجان در شهرهای ذیل از اولویت نخست خواهد بود.

اردبیل ، رضایه . خوی، میانه، زنجان، مراغه، مرند، مهاباد، ماکو، قزوین، رشت، پهلوی، ساری، (شاهی؟) گرگان، مشهد برای سازماندهی کمیته های این شهرها نمایندگانی را از

کمیته موسس مرکزی اعزام دارید. به صورتی منظم واکنش های مثبت و دعوت به عضویت در فرقه دموکرات آذربایجان را در جراید دموکراتیک منتشر کنید.

5- تحت عنوان صدای آذربایجان يك نمایندگی مطبوعاتی در کمیته موسس فرقه دموکرات آذربایجان در تبریز تاسیس کنید.

6- تدوین پیش نویس برنامه و منشور کمیته موسس تبریز را سازماندهی کنید. و... (4) [4]

**انگیزه های اتحاد جماهیر شوروی برای ایجاد فرقه دموکرات در آذربایجان :**

حزب کمونیست شوروی و شخص استالین بنا به انگیزه های مختلف بعد از صدور دستورات فوق اقدامات لازم جهت تاسیس فرقه دموکرات را توسط میرجعفر باقروف صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان انجام دادند و سید جعفر پیشه وری که به دلیل ناکامی از راه یابی به مجلس چهاردهم از دولت مرکزی سرخورده شده بود و در بین اهالی جایگاه نسبتاً خوبی داشت و ضمناً در عرصه روزنامه نگاری و ... نیز فعال بود به عنوان رهبر فرقه در نظر گرفته شد.

در بامداد روز 12 شهریور 1324 هنگامی که مردم آذربایجان قدم در کوچه ها گذاشتند اعلامیه هایی را به زبان ترکی مشاهده کردند که به دیوارها چسبانده شده بود. این اعلامیه از تاسیس فرقه دموکرات آذربایجان خبر می داد و هدفهای فرقه در آن تشریح شده بود . اندکی قبل از تشکیل مجلس ملی آذربایجان رهبران فرقه دموکرات و در راس آنها سید جعفر

پیشه وری سندی را امضاء کردند که در آن ایده های استقلال طلبی گسترش بیشتری یافته بودند . در این سند چنین آمده بود : «&lsquo;&lsquo; ما باید کاملاً از ایران جداشویم و جمهوری دموکراتیک ملی آذربایجان را تشکیل دهیم . کشور ما جمهوری دموکراتیک آذربایجان نامیده خواهد شد .» [5]

بالاخره بعد از گذشت حدود پنج ماه از تاریخ صدور دستور دفتر سیاسی کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی به میر (جعفر) باقروف صدر کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان در مورد «اقداماتی جهت سازماندهی یک جنبش جدایی طلب در آذربایجان جنوبی و دیگر ایالات شمالی ایران» ساعت ده روز 12 دسامبر 1945 برابر با 21 آذرماه

1324 نخستین جلسه مجلس ملی آذربایجان در سالن سینمای دیده بان تبریز شروع گردید .

در اینجا بعد از توضیح اجمالی در خصوص نقش حزب کمونیست شوروی و نیز کمیته مرکزی حزب کمونیست آذربایجان به انگیزه های دولت شوروی در ایجاد فرقه دموکرات اشاره می کنیم . همانطور که در ابتدای این مقال توضیح داده شد یکی از اهداف سیاست خارجی روسها چه در زمان امپراطوری روس و چه در زمان اتحاد جماهیر شوروی تضعیف و در صورت امکان تجزیه ایران بوده است که عملکرد روسها در قبال ایران موید این ادعاست و پیگیری مستمر شخص استالین جهت تاسیس فرقه دموکرات در آذربایجان در راستای

همین سیاست می باشد. دلیل دیگر تاسیس این فرقه رقابت شوروی و انگلیس در ایران می باشد، هر دو طرف تلاش می نمودند با به دست آوردن نفوذ بیشتر رقیب را از صحنه بیرون کنند . در زمان اشغال آذربایجان در سال 1946م برابر با 1324 شمسی دولت مرکزی ایران از بریتانیا تأثیری می گرفت و نخست وزیر غالباً از میان طرفداران انگلستان انتخاب

می شد لذا این موضوع شوروی را بر آن داشت تا با تاسیس این فرقه دولت مرکزی را متوجه نقش خود در ایران نماید تا از این طریق از نفوذ دولت رقیب (بریتانیا) کاسته شود . اما در کنار دو دلیل گفته شده مهمترین دلیل تاسیس و سپس حمایت دولت شوروی از فرقه دموکرات بحث امتیاز نفت شمال بود . روسها که از مدتها قبل متوجه میدان نفتی در شمال

ایران شده بودند برای کسب آن تلاشهای همه جانبه ای را آغاز نمودند تا با به دست آوردن امتیاز نفت شمال که شامل مناطقی از آذربایجان ، مازندران ، گیلان و قسمتی از سمنان و خراسان می شد اولاً سایر منابع زیر زمینی مناطق فوق را در اختیار داشته باشند و هم در رقابت با انگلستان که در قسمتهای جنوبی ایران نفوذ داشتند عقب ماندگی خود را جبران

نمایند .

در آذر ماه 1323 مجلس شورای ملی به ابتکار دکتر مصدق قانونی را تصویب کرد که بر اساس آن دولت ایران به صورت مستقل مالک منابع خود می شد و آماده واگذاری آن به هیچ کشور خارجی نبود و هر گونه اقدامی که از سوی برخی از مقامات دولتی جهت واگذاری امتیازات نفت به دول خارجی صورت گرفته بود از نظر مجلسی اعتبار می گردید

ناکامی روسها در کسب امتیاز نفت شمال باعث اقدام آنها در فعال نمودن نیروهای نظامی خود در ایران گردید و ارتش سرخ مستقر در ایران که از شهریور 1320 در جریان جنگ

جهنی دوم وارد ایران شده بود با دخالت های زیاد در امور داخلی ایران دستگاه حکومتی را در اداره امور مملکت ناتوان ساخته و درنهایت با تاسیس فرقه دموکرات در آذربایجان و حزب کومله در کردستان به تلاشهای خود مبنی بر فشار بر دولت ایران جهت به دست آوردن امتیاز نفت شمال ادامه داد .

#### جمع بندی :

در این مقال نقش عوامل خارجی در تاسیس و فعالیت فرقه دموکرات آذربایجان به استناد مدارک موجود مشخص گردید و درحقیقت ثابت شد کسانی که این حوادث را به عنوان جنبش مردمی معرفی می کنند خواه یا نا خواه آب در آسیاب دشمن می ریزند . البته در نارضایتی مردم آذربایجان از سیاستهای غیر دینی و نا بسامانیهای سیاسی و اداری موجود در رژیم پهلوی شکی نیست کمااینکه مردم سایر نقاط ایران نیز از وضعیت موجود ناراضی بودند ولی بایستی توجه داشت که نارضایتی مردم از دولتمردان و سیاستهای آنان بود؛ که این نارضایتی بعدها در جریان نهضت امام خمینی ( ره ) خود رانشان داد و در واقع قیام 29 بهمن مردم تبریز در پیروزی انقلاب شکوهمند اسلامی نقش مهمی را ایفا نمود . به هر ترتیب حوادث 21 آذر 1324 آذربایجان درسهایی دارد که شاید مهمترین آن جلوگیری از زمینه سازی ناخواسته برای دخالت بیگانگان در امور داخلی کشوری باشد و این مهم نیازمندی همراهی و همدلی بیش از پیش مردم و حکومت می باشد . انصافا مردم آذربایجان در عرصه های مختلف از قبیل پیروزی انقلاب اسلامی ، جنگ تحمیلی و سایر عرصه های مورد نیاز نقش خود را به خوبی ایفا نموده اند که استقبال گرم و به یاد ماندنی مردم تبریز در سفر اخیر ریاست جمهوری اسلامی ایران شاهد زنده این ادعاست؛ لذا انتظار این است که دولتمردان نظام جمهوری اسلامی ایران نیز بیش از پیش به اهمیت و خدمات ارزشمند مردم آذربایجان توجه نموده و زمینه نیل این مردم به حقوق مادی و معنوی خود را بصورت کامل فراهم نمایند چرا که « آذربایجان سر ایران است ».

---

-هوشنگ طالع چکیده تاریخ تجزیه ایران ، انتشارات سمرقند ، 1380، ص نخست [1]

2-فراز و فرود فرقه دموکرات آذربایجان نوشته جمیل حسنی ، ترجمه منصور همای ، نشر نی ، چاپ دوم 1384 ص 15 به نقل از جمهوری آذربایجان - آرشیو مرکزی دولتی احزاب سیاسی و جنبش های اجتماعی ، موضوع 1 ، فهرست 89 ، پرونده 108 ، برگ 27- [2]

3-فراز و فرود فرقه دموکرات آذربایجان نوشته جمیل حسنی ، ترجمه منصور همای ، نشر نی ، چاپ دوم 1384 به نقل از ماخذ آرشیو دولتی برای احزاب سیاسی و جنبش های

اجتماعی جمهوری آذربایجان، باکو 5-114-D 89. OP (AZR F1), GAPPOD

منبع پیشین - [4]

5-فراز و فرود فرقه دموکرات آذربایجان نوشته جمیل حسنی ، ترجمه منصور همای ، نشر نی ، چاپ دوم 1384، ص 93